

## رابطه باورهای جنسیتی، رضایت مندی روانی و عملکرد تحصیلی در دانش آموزان سرآمد و عادی\*

### Relationship between Gender Beliefs, Psychological Well-being and Academic Achievement among Gifted and non Gifted Students\*

Parisa Khosrotash, M.A

Elahe Hejazi, Ph.D.

Javad Ejei, Ph.D.

Bagher Ghobary Bonab, Ph.D.

پریسا خسرو تاش\*\*

دکتر الهه حجازی\*\*

دکتر جواد اژه‌ای\*\*

دکتر باقر غباری بناب\*\*

#### Abstract

The main aim of the present study was to investigate the student's gender beliefs, psychological well-being and academic achievement. 140 gifted and normal high school students (70 boys & 70 girls) from Tehran who were selected randomly, completed two questionnaires: The Hejazi's Gender Beliefs Questionnaire, and the Ryff's Well-being Questionnaire. The students' mean scores on their latest semester were taken as measure of their academic achievement. Results indicate that gender predicts gender beliefs but there were no differences between the two groups. Analysis of variances revealed the gender main effect on personal growth as well as the interaction of gender and group on purpose in life. Academic performance is a powerful variable for discrimination between gifted and non-gifted groups.

**Keywords:** gender beliefs, psychological well-being, giftedness, academic achievement.

#### چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر تعیین رابطه باورهای جنسیتی، رضایت مندی روانی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان بوده است. به همین منظور ۱۴۰ دانش آموز سرآمد و عادی (دختر و پسر) تعداد ۷۰ پسر و ۷۰ دختر) پایه سوم دبیرستان از مناطق ۶، ۹ و ۱۱ به طور تصادفی انتخاب و به دو پرسشنامه باورهای جنسیتی (حجازی و همکاران، ۱۳۸۰) و رضایت مندی روانی (ریف، ۱۹۸۹) پاسخ دادند. جهت سنجش پیشرفت تحصیلی نیز از معدل ترم قبل دانش آموزان استفاده شد. نتایج نشان داد که: متغیر جنس قادر به پیش‌بینی باورهای جنسیتی است. میان باورهای جنسیتی دو گروه سرآمد و عادی تفاوت معناداری وجود ندارد. اثر اصلی جنس در ارتباط با بعد رشد شخصی پرسشنامه رضایت مندی روانی معنادار است. اثر متقابل جنس گروه در ارتباط با بعد هدفمندی در زندگی رضایت مندی روانی معنادار است. متغیر عملکرد تحصیلی، متغیر توانمندی جهت متمایز کردن دو گروه سرآمد و عادی است.

کلیدواژه‌ها: باورهای جنسیتی، رضایت مندی روانی، سرآمدی، عملکرد تحصیلی

\*Department of Educational Psychology and Counseling,  
Faculty of Psychology & Education, Tehran University,  
I.R. Iran. Email: pakhosrotash@yahoo.com.

\* دریافت مقاله: ۱۳۸۷/۱۱/۲۰ تصویب نهایی: ۱۳۸۸/۷/۲۰  
\*\* گروه روان‌شناسی تربیتی و مشاوره دانشکده روان‌شناسی  
و علوم تربیتی دانشگاه تهران

● مقدمه

امروزه بررسی تفاوت‌های جنسیتی مورد توجه بسیاری از روان‌شناسان و جامعه‌شناسان قرار گرفته است. بَم (۱۹۷۴) معتقد است که انتظار فرهنگی منجر به تفاوت‌های رفتاری بین زنان و مردان می‌شود و انتظارات متفاوت اجتماعی شدن «نقش‌های جنسیتی»<sup>۱</sup> متفاوتی را برای دختران و پسران ایجاد می‌کند. توسعه نقش‌های جنسیتی با شکل‌گیری «رفتارهای قالبی جنسیتی»<sup>۲</sup> و تحول «هویت جنسیتی»<sup>۳</sup> ارتباط دارد.

بَم (۱۹۹۸) در قالب نظریه روان‌بنه جنسیتی خود بیان می‌کند که فرآیند «نقش‌پذیری جنسیتی» ناشی از پردازش روان‌بنه‌های جنسیتی است. بدین صورت که روان‌بنه‌های جنسیتی به کسب آن دسته از ویژگی‌ها و رفتارهایی که فرهنگ یک جامعه برای مردان و زنان مناسب تشخیص می‌دهد، می‌پردازند و تحول روان‌بنه‌های جنسیتی تحت تأثیر فرهنگ، می‌تواند باعث پذیرش رفتارهای قالبی جنسیتی در فرد شود. همانطور که مشاهده می‌شود در نظریه روان‌بنه جنسیتی بَم، باورهای جنسیتی تحت تأثیر دو عامل روان‌بنه‌های شناختی فرد و انتظارات فرهنگی قرار می‌گیرد. بنابراین رفتارهای قالبی جنسیتی الزاماً منعکس‌کننده واقعیت نیستند بلکه معرف باورهای مشترک درباره رفتارهای افراد برای یک گروه خاص هستند. لیبن<sup>۴</sup> و بیگلار<sup>۵</sup> (۲۰۰۲) معتقدند نقش‌یابی جنسیتی به هرگونه ارتباط اشیاء، فعالیت‌ها، یا صفات با جنسیت اشاره دارد که از رفتارهای قالبی فرهنگی تبعیت کند (به نقل از برک<sup>۶</sup>، ۱۳۸۷). در همین رابطه هارپر<sup>۷</sup> و شومن<sup>۸</sup> (۲۰۰۳) به این نتیجه رسیدند که اکثریت افراد جهت‌شناسایی یک فرد بیگانه بیشتر از مقوله بندی جنسیتی استفاده کرده و آن فرد را ابتدا تحت عنوان مرد یا زن دسته بندی می‌کنند. از طرفی آنها مشخص کردند که استفاده از جنسیت جهت‌شناسایی یک فرد لزوماً منجر به تشکیل رفتارهای قالبی جنسیتی در شناخت دیگران نخواهد شد.

گلمن و همکاران (۲۰۰۴) نشان دادند که والدین از طریق زبانی که به کار می‌برند، علائم غیر مستقیمی در مورد رفتارهای قالبی جنسیتی به کودکان منتقل می‌کنند. به طور مثال در توضیح تصاویر به کودکان، اغلب به جنسیت فرد موجود در تصویر اشاره می‌شود.

کودکان، تمایز در رفتارهای جنسیتی را از رفتار بزرگسالان کسب می‌نمایند (تننهام و همکاران، ۲۰۰۵). به طور مثال بزرگسالان استقلال بیشتر و تسلط‌گرا بودن در تکالیف را از پسرها، بیشتر از دخترها انتظار دارند، از طرف دیگر والدین دخترها را کمتر ترغیب به تصمیم‌گیری مستقل می‌نمایند. وود و همکاران (۲۰۰۲) اظهار می‌دارند که نقش‌یابی جنسیتی در پسرها بیشتر از دخترها است. اجتماع بیشتر اصرار دارد که پسرها از نقش‌های جنسیتی پیروی کنند، اجتماع به پسرها بیشتر از دخترها برای موفقیت فشار می‌آورد و رفتار بین جنسیتی را در پسرها کمتر تحمل می‌نماید. در همین ارتباط لی و همکاران (۲۰۰۶) نشان دادند که مردان بیشتر از زنان دارای این باور هستند که موفقیت در مهارت عملکردی آنها نشئت گرفته از توانایی ذاتی است. بلیکر و چاکوبز (۲۰۰۴) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که دخترها خطاها و کاستی‌های خود در درس ریاضی را به نداشتن توانایی نسبت می‌دهند. نتیجه این مسئله آن خواهد شد که آنها تمایل کمتری به انتخاب مشاغل مرتبط با ریاضی خواهند داشت. اما یافته‌های قنبرزاده علم‌داری (۱۳۸۰)، نصراصفهان‌ی (۱۳۸۳)، سعیدزاده (۱۳۸۶)، حجازی و نقش (۱۳۸۶) نشان داد که دختران در متغیرهای باور خود کارآمدی ریاضی، و عملکرد ریاضی تفاوت معناداری با پسران ندارند و حتی در برخی موارد از آنان بالاتر هستند. بنابراین یافته‌ها در این زمینه ناهمخوان است.

یافته‌های پژوهش لیبن و بیگلار (۲۰۰۲) حاکی از آن است که هویت جنسی پسرها و دخترها در اواسط کودکی مسیرهای متفاوتی را طی می‌کند. به نظر می‌رسد پسرها در حوزه فعالیت‌های مردانه حرکت می‌کنند اما دخترها دامنه وسیع‌تری از گزینه‌های فعالیت و شغلی را بر می‌گزینند که در آن میان نقش شغلی رفتارهای قالبی برای جنس مذکر نیز گنجانده شده است (به نقل از برک، ۱۳۸۷). یافته‌های پژوهش هاستون<sup>۹</sup> و آلووز<sup>۱۰</sup> (۱۹۷۰) نیز نشان داد که دختران در مقایسه با پسران از باور غیر رفتارهای قالبی‌تری برخوردارند و انعطاف‌پذیری بیشتری از خود نشان می‌دهند (به نقل از جکسون، ۱۹۹۸).

تعدادی از پژوهش‌ها به بررسی ارتباط نگرش‌ها، رفتارهای قالبی و نقش‌های جنسیتی با متغیرهای شخصیتی و خصوصیات روانی پرداخته‌اند. در این رابطه لنگو (۲۰۰۰) به این نتیجه رسید که صفت مردانگی، افسردگی کمتر و مشکلات ضد

اجتماعی بیشتر و صفت زنانگی مشکلات ضد اجتماعی کمتر ولی افسردگی بیشتری را به دنبال دارد. نتایج درکل حاکی از آن بود که متغیرهای شخصیتی و جنسیت عوامل مهمی در ایجاد نشانه‌های بیماری روان شناختی هستند. علاوه بر این رضایت‌مندی روانی به عنوان متغیری که هم تحت تاثیر عوامل درون فردی مانند استقلال، رشد شخصی و هدفمندی قرار می‌گیرد و هم تحت تاثیر عوامل بین فردی مانند روابط مثبت با دیگران و عوامل اجتماعی مانند موقعیت فرد در گروه است، می‌تواند با باورهای جنسیتی مرتبط باشد. ریف (۱۹۸۹) معتقد است که رضایت‌مندی روانی یک جنبه مهم از کیفیت زندگی افراد است که به میزان زیادی تحت تأثیر فرهنگ قرار می‌گیرد. همانطور که مشاهده می‌شود متغیرهای باورهای جنسیتی و رضایت‌مندی روانی هر دو تحت تأثیر عوامل شناختی و اجتماعی قرار دارند. ریف و کیس (۱۹۹۵) معتقدند رضایت‌مندی روانی نشانه برداشت مثبت فرد از ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی است. و شامل «خودکاری»<sup>۱۱</sup>، «تسلط بر محیط»<sup>۱۲</sup> «رشد شخصی»<sup>۱۳</sup> «ارتباط مثبت با دیگران»<sup>۱۴</sup>، «هدفمندی در زندگی»<sup>۱۵</sup> و «پذیرش خود»<sup>۱۶</sup> است. «اید» و «لارسن» (۲۰۰۸) عوامل تاثیرگذار بر روی رضایت‌مندی روانی را شامل خصوصیات شخصی فرد، نحوه ارتباطات اجتماعی، مذهب، کیفیت محیط مدرسه، محل کار و بافت فرهنگی برشمرده‌اند. در همین رابطه، فوستر و سارفتی (۲۰۰۵) نشان دادند که زنان در موقعیت‌هایی که اعتقاد دارند براساس شایسته سالاری (فارغ از جنسیت) برنامه‌ریزی شده است رضایت‌مندی روانی بالاتری در مقایسه با موقعیت‌هایی که برنامه‌ریزی آنان مبتنی بر جنس‌گرایی است، دارند.

برخی پژوهش‌ها به بررسی رابطه جنسیت و رضایت‌مندی روانی پرداخته‌اند. بر اساس دیدگاه مایلس و همکاران (۲۰۰۰) زمانی که فرد از نقش جنسیتی خود رضایت نداشته باشد و بین آنچه که انجام می‌دهد و آنچه می‌تواند انجام دهد، تضاد ببیند، رضایت‌مندی روانی و احساس ارزشمندی در او کاهش می‌یابد. در همین ارتباط یافته‌های سپتمبر و همکاران (۲۰۰۱) حاکی از آن بود که گروه‌های مردانگی و «دو جنسیتی»<sup>۱۷</sup> نمرات بالاتری در خرده مقیاس خود کاری نسبت به گروه زنانگی و «نامتمایز»<sup>۱۸</sup> بدست آوردند و در خرده مقیاس ارتباط مثبت با دیگران دو جنسیتی‌ها، بالاترین نمره و نامتمایزها پایین‌ترین نمره را دریافت کردند. از طرفی افراد با

خصوصیات بیانی (زنانگی) که در بعد ارتباط مثبت با دیگران نمره بالایی داشتند، از رضایتمندی روانی بالاتری نیز برخوردار بودند. این یافته معرف ارتباط ویژگی زنانگی مهارت اجتماعی و رضایتمندی روانی است. در این پژوهش افراد دو جنسیتی به عنوان افرادی که تعداد زیادی از ویژگی‌های فرهنگی مردانگی و زنانگی را به خود نسبت می‌دهند و افراد نامتمایز به عنوان افرادی که صفات کمی از هر دو جنس را دارا هستند تعریف شده‌اند. یانگر و همکاران (۲۰۰۴) اظهار می‌دارند کودکانی که نقش جنسیتی خود را پذیرفته‌اند و از جنسیت خود رضایت دارند در سال‌های بعد حرمت خود بالاتری دارند. از طرف دیگر کودکانی که نقش جنسیتی نامتناسب را کسب کرده بودند یا از جنسیت خود خشنود نبودند، احساس ارزشمندی پایین‌تری را تجربه می‌کردند. آنها فشار شدیدی را از طرف اجتماع تحمل می‌کردند که باعث ایجاد اضطراب و ناامیدی در آنها بود. پژوهش دیگری توسط حجازی (۱۳۸۰) در ارتباط با بررسی باورهای جنسیتی و رابطه آن با رضایتمندی روانی-اجتماعی دانش‌آموزان - صورت گرفته است. نتایج این پژوهش حاکی از آن بود که اکثریت دانش‌آموزان دختر و پسر شهر تهران دارای باورهای غیر رفتارهای قالبی هستند و باورهای جنسیتی ۰/۵ درصد از رضایتمندی روانی-اجتماعی را تعیین می‌کند. از طرفی دانش‌آموزانی که باور غیر رفتارهای قالبی داشتند دارای رضایتمندی روانی بیشتری در ارتباط با نقش خود بودند. در همین ارتباط ظهروند (۱۳۸۱) در پژوهشی جهت بررسی رابطه ادراک از نقش جنسیتی و رضایت از جنس با انگیزش پیشرفت نشان داد که میزان درصد باور جنسیتی زنانه در میان دختران بیشتر از درصد باور جنسیتی مردانه در میان پسران است و از طرفی پسران دارای باورهای غیر رفتارهای قالبی تری نسبت به دخترها هستند.

در پژوهش حاضر علاوه بر بررسی باورهای جنسیتی و رضایتمندی روانی در دانش‌آموزان عادی به بررسی این متغیرها در «دانش‌آموزان سرآمد» نیز پرداخته خواهد شد. همانطور که در پژوهش‌های ذکر شده مشاهده می‌شود، رابطه رضایتمندی روانی و باورهای جنسیتی افراد سرآمد کمتر مورد توجه بوده است. به نظر می‌رسد دانش‌آموزان سرآمد دارای ویژگی‌های خاصی هستند که آنها را از افراد عادی متمایز می‌کند. وینر<sup>۱۹</sup> (۱۹۹۶) سه معیار برای شناخت کودکان تیزهوش معرفی کرده است. که شامل پیش‌رسی، عمل کردن به روش خود و شور آموختن است. پیش‌رسی یعنی آنها

در هر زمینه‌ای زودتر از همسالان خود تبحر می‌یابند. عامل دوم بدین معنی است که آنها نسبت به همسالان خود کمک کمتری از بزرگسالان درخواست می‌نمایند و در برابر راهنماییهای مستقیم مخالفت می‌کنند. از طرف دیگر آنها شور آموختن دارند یعنی آنها علاقه‌ای شدید به خواندن دارند و نیازی به فشار والدین برای درس خواندن ندارند (به نقل از سانتراک<sup>۲۰</sup>، ۱۳۸۷). هاگ و رنزولی (۱۹۹۳) به این نتیجه رسیدند که اکثریت تحقیقات خود پنداری تحصیلی دانش‌آموزان تیزهوش را بالاتر از دانش‌آموزان عادی می‌دانند. چپو (۲۰۰۶) در پژوهشی نشان داد که درجه بندی معلمان از حرمت خود دانش‌آموزان سرآمد بالاتر از عزت‌نفس دانش‌آموزان عادی است، اما زمانی که خود دانش‌آموزان به پرسشنامه حرمت خود پاسخ دادند تفاوتی میان این دو گروه یافت نشد. حال این سوال مطرح است که آیا تفاوتی میان باورهای جنسیتی و رضایتمندی روانی دانش‌آموزان سرآمد و عادی وجود دارد؟

با توجه به آنچه بیان شد اهداف پژوهش حاضر عبارتند از:

- تعیین ارتباط میان جنس (دختر و پسر) و گروه (سرآمد و عادی) با باورهای جنسیتی.
- مقایسه رضایتمندی روانی دانش‌آموزان سرآمد و عادی بر حسب جنس.
- پیش‌بینی باورهای جنسیتی، رضایتمندی روانی و عملکرد تحصیلی در دانش‌آموزان سرآمد و عادی.
- پیش‌بینی باورهای جنسیتی، رضایتمندی روانی و عملکرد تحصیلی در دانش‌آموزان دختر و پسر.

## ● روش

«جامعه آماری» تحقیق مورد نظر شامل دانش‌آموزان دختر و پسر دبیرستان‌های مدارس عادی و سمپاد شهر تهران بود. برای انتخاب نمونه عادی و نمونه سرآمد، از روش نمونه‌گیری در دسترس و تصادفی استفاده شده است. با توجه به طرح تحقیق در مجموع تعداد نمونه مورد بررسی را ۱۴۰ دانش‌آموز دختر و پسر مدارس عادی و سمپاد تشکیل دادند (نمونه عادی شامل ۳۵ دختر و ۳۵ پسر و نمونه سمپاد نیز شامل ۳۵ دختر و ۳۵ پسر بود).

○ ابزارهای مورد استفاده این تحقیق عبارتند از :

□ الف. «پرسشنامه باورهای جنسیتی»: این پرسشنامه توسط حجازی و همکاران (۱۳۸۰) ساخته شده است و شامل ۴۵ ویژگی است. این پرسشنامه از تعدادی جمله خبری تشکیل شده است که هر جمله دربرگیرنده یک ویژگی خاص است. از فرد خواسته می‌شود این ویژگی‌ها را تحت عنوان مردانه، زنانه یا هر دو (مشترک بین دو جنس) ارزیابی نماید. حجازی (۱۳۸۰) جهت بررسی روائی سازه این مقیاس از روش تحلیل مولفه‌های اصلی و برای مشخص کردن ساختار آن از روش چرخش نرمال شده واریماکس استفاده کرده است. یافته‌ها نشان داد که مقیاس از پنج عامل مهم و معنادار اشباع شده است.

با استفاده از تحلیل‌های فوق، فراوانی پاسخ‌های آزمودنی‌ها به گزینه‌های مختلف سئوالات به پنج گروه تقسیم شدند. این گروه‌ها عبارت بودند از ویژگی‌ها با نقش کاملاً مردانه، ویژگی‌ها با نقش تقریباً مردانه، ویژگی‌ها با نقش غیر رفتارهای قالبی، ویژگی‌ها با نقش تقریباً زنانه و ویژگی‌ها با نقش کاملاً زنانه.

با توجه به تفکیک سئوالات برای گروه بندی، ویژگی‌ها به سه دسته (رفتارهای قالبی مردانه، زنانه و غیر رفتارهای قالبی) تقسیم شدند. ابتدا نمره گذاری ویژگی‌ها به شکل (۱-) برای زنانه، (۰) برای هر دو و (۱+) برای مردانه تبدیل شد و برای هر فرد سه نمره متفاوت به ترتیب زیر در نظر گرفته شد:

- نقش رفتارهای قالبی مردانه: شامل میانگین نمرات ویژگی‌های عامل اول با ضریب ۳ به علاوه میانگین نمرات ویژگی‌های عامل دوم.

- نقش رفتارهای قالبی زنانه: شامل میانگین نمرات ویژگی‌های عامل پنجم با ضریب ۳ به علاوه میانگین نمرات ویژگی‌های عامل چهارم.

- نقش غیر رفتارهای قالبی: شامل میانگین نمرات ویژگی‌های عامل سوم با ضریب ۳ به علاوه میانگین نمرات ویژگی‌های عامل دوم و چهارم.

با جمع ۳ ماده فوق برای هر فرد نمره‌ای بین ۱۲- الی ۱۲+ بدست آمد. نمرات منفی (۲- تا ۱۲-) نشانه نقش رفتارهای قالبی مردانه و نمرات صفر و نزدیک به آن (±۲) نشانه نقش غیر رفتارهای قالبی فرد است. در انتها این افراد به دو گروه تقسیم شدند. افرادی که نمراتی در محدوده (±۲) داشتند به عنوان افرادی با نقش جنسیتی غیر



رفتارهای قالبی و افرادی که نمرات آنها خارج از محدوده فوق بودند به عنوان افرادی با نقش جنسیتی رفتارهای قالبی دسته بندی شدند. ضریب قابلیت اعتماد این پرسشنامه ۰/۸۴ توسط حجازی (۱۳۸۰) گزارش شده است. و در پژوهش حاضر نیز این ضریب از طریق اجرای مجدد پرسشنامه بر روی ۵۴ نفر از نمونه مورد بررسی ۰/۶۷ به دست آمد.

□ ب- «پرسشنامه رضایت‌مندی روانی»: این پرسشنامه، توسط ریف (۱۹۸۹) در مرکز علوم پزشکی ویسکانسین ساخته شده است و تا سال ۲۰۰۰ در این دانشگاه مورد بررسی تکمیلی قرار گرفته است. این پرسشنامه مشتمل بر ۶ محور است:

«خودکاری»، «تسلط بر محیط»، «رشد شخصی»، «ارتباط مثبت با دیگران»، «هدفمندی در زندگی» و «پذیرش خود». این مقیاس دارای ۸۴ گزاره خود توصیف کننده است که با مقیاس شش درجه‌ای از کاملاً مخالف (۱) تا کاملاً موافق (۶) سنجیده می‌شود. البته این درجات در پژوهش حاضر به چهار درجه کاملاً مخالف (۱)، نسبتاً مخالف (۲)، نسبتاً موافق (۳) و کاملاً موافق (۴) تقلیل یافته است. در پژوهش حاضر، پرسشنامه رضایت‌مندی روانی پس از ترجمه به فارسی بر روی تعداد ۲۰ نفر از دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان اجرای اولیه شد. در اجرای اولیه مشخص شد که تعدادی از سئوالها گنگ و مبهم است. جهت برطرف کردن این مشکل، ترجمه مورد بازنگری قرار گرفت و بعد از حصول اطمینان در مورد قابل فهم بودن سئوال‌های پرسشنامه، اجرای نهایی انجام گرفت.

ضریب همسانی درونی هریک از خرده مقیاس‌های این پرسشنامه براساس محاسبه ضریب آلفای کرونباخ توسط ریف (۱۹۸۹) بدین شرح تعیین گردیده است: «خود کاری» (۰/۸۳)، «تسلط بر محیط» (۰/۸۶)، «رشد شخصی» (۰/۸۵)، «ارتباط مثبت با دیگران» (۰/۸۴)، «هدفمندی در زندگی» (۰/۸۸) و «پذیرش خود» (۰/۹۱).

ضریب قابلیت اعتماد «پرسشنامه رضایت‌مندی روانی» در این پژوهش از دو روش آلفای کرونباخ و دونیمه کردن محاسبه گردید. ضریب قابلیت اعتماد از طریق دو نیمه - کردن با تصحیح گاتمن ۰/۹۰ بدست آمد و از طریق روش آلفای کرونباخ نیز ضریب همسانی درونی محاسبه شد و ۰/۹۱ بدست آمد. ضریب همسانی درونی پرسشنامه در این پژوهش به تفکیک خرده مقیاس‌ها نیز محاسبه شد که به شرح زیر است:



«خود کاری» (۰/۷۵)، «تسلط بر محیط» (۰/۷۵)، «ارشد شخصی» (۰/۶۱)، «ارتباط مثبت با دیگران» (۰/۷۱) «هدفمندی در زندگی» (۰/۷۲) و «پدیرش خود» (۰/۷۸). برای بدست آوردن اعتبار «پرسشنامه رضایت‌مندی روانی» از روش همبستگی استفاده شد نتایج حاکی از آن بود که همبستگی ابعاد با یکدیگر و از طرفی میان ابعاد با نمره کل پرسشنامه بالا است. جهت سنجش پیشرفت تحصیلی نیز از معدل ترم گذشته دانش‌آموزان استفاده شده است.

با توجه به موضوع پژوهش و جهت پاسخگویی به سئوالات پژوهش از روش‌های رگرسیون لجستیک، مانوا (تحلیل واریانس چند متغیره)، آنوا (تحلیل واریانس یک متغیره دوراهه) و تحلیل ممیز گام به گام استفاده شده است.

## • نتایج

یافته‌های پژوهش براساس اهداف پژوهش ارائه می‌شود.

○ جهت بررسی ارتباط میان جنس و گروه (عادی و سرآمد) با باورهای جنسیتی دانش‌آموزان از تحلیل رگرسیون لجستیک استفاده شده است. نتایج این بررسی در جدول‌های ۱ و ۲ نشان داده می‌شود.

نتایج حاکی از آن است که متغیر جنس، متغیر موثری جهت پیش‌بینی باورهای جنسیتی است. اما متغیر گروه نقش موثری در پیش‌بینی باورهای جنسیتی ندارد.

جدول ۱. طبقه‌بندی متغیر ملاک (رفتارهای قالبی و غیرقالبی) در رگرسیون لجستیک

پیش‌بینی شده	رفتارهای قالبی	غیر رفتارهای قالبی	درصد پیش‌بینی صحیح
مشاهده شده			
رفتارهای قالبی	۲۳	۳۹	۳۷/۱۰
رفتارهای غیر قالبی	۱۲	۶۶	۸۴/۶۲
در مجموع			۶۳/۵۷

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود در کل، درصد پیش‌بینی صحیح رگرسیون لجستیک در این تحلیل ۶۳/۵۷ درصد بوده است. بدین معنی که تحلیل رگرسیون، ۶۳/۵۷ درصد افراد را به خوبی و در محل واقعی خود پیش‌بینی کرده است. جهت بررسی دقیق‌تر مدل رگرسیون از شاخص‌های برازش مدل استفاده می‌شود. در این

ارتباط شاخص (بهبودسازی) Improvement معنادار شد که نشان دهنده آن است که متغیرهای جنس و گروه در پیش بینی باورهای جنسیتی سهم معناداری دارند.

جدول ۲. انتخاب متغیرها

متغیر	B	SE	Wald	Df	P	R
جنس	۰/۸۳	۰/۳۵	۵/۶۶	۱	۰/۰۱۷۳	*۰/۱۴
گروه	۰/۴۸	۰/۳۵	۱/۹۲	۱	۰/۱۶۶	۰/۰۰۰۱

\* p < ۰/۰۵ \*\* p < ۰/۰۱

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می شود ضریب R که نشان دهنده همبستگی متغیر پیش بین با متغیر پیش بینی شده است، در جنس بالاتر از گروه است. در ضمن مشاهده می شود که برای متغیر جنس، معناداری در سطح  $p < ۰/۰۵$  گزارش شده است ولی متغیر گروه معنادار نشده است.

○ جهت بررسی تفاوت میان رضایت مندی روانی دانش آموزان سرآمد و عادی دختر و پسر از تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شده است. تحلیل چند متغیره پیلایی نشان می دهد که اثر اصلی جنس و اثر متقابل جنس x گروه در سطح  $p < ۰/۰۵$  معنادار شده است. از طرفی آزمون پیلایی برای گروه معنادار نیست.

جهت بررسی دقیق تر در ادامه تحلیل از آزمون های تک متغیری استفاده می شود. ویژگی این آزمون ها بررسی این نکته است که معناداری بدست آمده بیشتر از جهت کدام یک از ابعاد متغیر وابسته است. آزمون های تک متغیری جهت بررسی اثر جنس، گروه و جنس x گروه بر ابعاد متغیر وابسته انجام شد. با توجه به جدول ۳ می توان نتیجه گرفت که معناداری تحلیل واریانس چند متغیری به دلایل زیر بدست آمده است:

- اثر اصلی جنس در ارتباط با بعد رشد شخصی

- اثر متقابل جنس در گروه در ارتباط با بعد هدفمندی در زندگی

در ارتباط با مورد اول مشاهده شد که میانگین کل پسران در بعد رشد شخصی از میانگین کل دختران در این بعد پایین تر است. از طرفی در ارتباط با مورد دوم مشاهده شد که میانگین پسران عادی در بعد هدفمندی در زندگی بیشتر از میانگین دختران عادی است، در حالی که میانگین پسران سرآمد در این بعد کمتر از میانگین دختران سرآمد است. در کل اثر اصلی و اثر متقابل ذکر شده به دلایل فوق بدست آمده است.

جدول ۳. آزمون‌های تک متغیری جهت بررسی اثر جنس، گروه و اثرات متقابل آنها بر ابعاد رضایتمندی روانی

منبع تغییر	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مشاهده شده	سطح معنا داری
جنس	خودکاری	۵۰/۴۰	۱	۵۰/۴۰	۱/۹۰	۰/۱۷
	تسلط بر محیط	۵/۲۱	۱	۵۰/۲۱	۰/۱۳	۰/۷۱
	رشد شخصی	۱۱۸/۸۶	۱	۱۱۸/۸۶	۶/۱۲	*۰/۰۱۵
	ارتباط مثبت با دیگران	۳۰/۱۸	۱	۳۰/۱۸	۰/۸۲	۰/۳۷
	هدفمندی در زندگی	۱۴/۴۶	۱	۱۴/۴۶	۰/۵۶	۰/۴۶
	پذیرش خود	۱۲/۰۱	۱	۱۲/۰۱	۰/۳۰	۰/۵۸
گروه	خودکاری	۵/۶۰	۱	۵/۶۰	۰/۲۱	۰/۶۵
	تسلط بر محیط	۳/۱۸	۱	۳/۱۸	۰/۷۸	۰/۳۸
	رشد شخصی	۰/۱۸	۱	۰/۱۸	۰/۰۰۹	۰/۹۲
	ارتباط مثبت با دیگران	۲/۰۶	۱	۲/۰۶	۰/۰۶	۰/۸۱
جنس در گروه	هدفمندی در زندگی	۰/۱۸	۱	۰/۱۸	۰/۰۰۷	۰/۹۳
	پذیرش خود	۲۴/۸۶	۱	۲۴/۸۶	۰/۶۳	۰/۴۳
	خودکاری	۲/۸۶	۱	۲/۸۶	۰/۱۱	۰/۷۴
	تسلط بر محیط	۵۱/۶۱	۱	۵۱/۶۱	۱/۳۴	۰/۲۵
	رشد شخصی	۵۱/۶۱	۱	۵۱/۶۱	۲/۶۶	۰/۱۰
	ارتباط مثبت با دیگران	۱۲۶/۳۵	۱	۱۲۶/۳۵	۳/۴۲	۰/۰۶۷
خطا	هدفمندی در زندگی	۲۲۳/۷۸	۱	۲۲۳/۷۸	۸/۶۴	**۰/۰۰۴
	پذیرش خود	۱۰۸/۰۶	۱	۱۰۸/۰۶	۲/۷۲	۰/۱۰
	خودکاری	۳۶۰۰/۲۹	۱۳۶	۲۶/۴۷		
	تسلط بر محیط	۵۲۲۹/۴۳	۱۳۶	۳۸/۴۵		
	رشد شخصی	۲۶۴۱/۲۰	۱۳۶	۱۹/۴۲		
	ارتباط مثبت با دیگران	۵۰۲۵/۹۴	۱۳۶	۳۶/۹۵		
	هدفمندی در زندگی	۳۵۲۲/۱۱	۱۳۶	۲۵/۹۰		
کل	پذیرش خود	۵۴۰۵/۲۰	۱۳۶	۳۹/۷۴		
	خودکاری	۱۷۶۵۶۳/۰	۱۴۰			
	تسلط بر محیط	۲۲۴۴۶۳/۰	۱۴۰			
	رشد شخصی	۲۶۵۹۰۳/۰	۱۴۰			
	ارتباط مثبت با دیگران	۲۲۷۱۸۹/۰	۱۴۰			
	هدفمندی در زندگی	۲۳۷۰۵۵/۰	۱۴۰			
	پذیرش خود	۲۰۸۵۴۷/۰	۱۴۰			

\* p < ۰/۰۵ \*\* p < ۰/۰۱

○ جهت بررسی اینکه کدام یک از متغیرهای رضایتمندی روانی، باورهای

جنسیتی و عملکرد تحصیلی، بهتر قادر به جدا سازی دو گروه سرآمد و عادی هستند، از تحلیل ممیز استفاده شده است (جدول ۴). نتایج حاکی از آن است که تنها متغیری که وارد تحلیل شده است متغیر عملکرد تحصیلی بوده است. همانطور که در جدول ۵ مشاهده می شود F عملکرد تحصیلی  $F=۲۵/۴۹$  از F باورهای جنسیتی  $F=۱/۸۵$  و F رضایتمندی روانی  $F=۰/۰۰۰۱$  بالاتر است. از طرفی  $\lambda$  عملکرد تحصیلی  $\lambda=۰/۸۴$  از  $\lambda$  باورهای جنسیتی  $\lambda=۰/۹۹$  و  $\lambda$  رضایتمندی روانی  $\lambda=۱/۰۰$  پایین تر است. به نظر می رسد که بیشتر بودن مقدار F و پایین تر بودن مقدار  $\lambda$  متغیر عملکرد تحصیلی دلیل بر وارد شدن این متغیر در تحلیل ممیز است. بدین معنی که این متغیر در سطح  $p < ۰/۰۱$  معنادار شده است. و دو متغیر باورهای جنسیتی و رضایتمندی روانی به دلیل F پایین تر و  $\lambda$  بالا معنادار نشده اند و در تحلیل ها وارد نشده اند، به همین دلیل سطح معناداری نیز برای آنها ذکر نشده است.

جدول ۴: نتایج تحلیل ممیز گام به گام جهت بررسی رضایتمندی روانی، باورهای جنسیتی و عملکرد تحصیلی در دو

گروه (سرآمد و عادی)

متغیرهای پیش بین	میانگین گروه سرآمد	میانگین گروه عادی	انحراف معیار گروه سرآمد	انحراف معیار گروه عادی	$\lambda$	F	سطح معناداری
رضایتمندی روانی	۲۳۶/۸۱	۲۳۶/۷۴	۲۹/۷۳	۲۱/۶۶	۱/۰۰	۰/۰۰۰۱	
باورهای جنسیتی	۱/۵	۱/۶۱	۰/۵۰	۰/۵	۰/۹۹	۱/۸۵	
عملکرد تحصیلی	۱۸/۱۶	۱۶/۹۷	۱/۰۲	۱/۷	۰/۸۴	۲۵/۴۹	**۰/۰۰۰۱

\*  $p < ۰/۰۵$     \*\*  $p < ۰/۰۱$

○ برای تعیین متغیر متمایز کننده دو جنس در هر یک از متغیرهای رضایتمندی روانی، باورهای جنسیتی و عملکرد تحصیلی، از تحلیل ممیز استفاده شده است. نتایج در جدول ۵ آورده شده است.

در گام اول تحلیل عملکرد تحصیلی و در گام دوم متغیر عملکرد تحصیلی و از طرفی باورهای جنسیتی وارد شدند. به نظرمی رسد بیشتر بودن مقدار F و پایین تر بودن مقدار  $\lambda$  در عملکرد تحصیلی نسبت به دو متغیر دیگر دلیل بر وارد شدن این متغیر در گام اول تحلیل است. سطح معناداری نیز تایید کننده آن است زیرا متغیر عملکرد تحصیلی در سطح  $p < ۰/۰۱$  معنادار شده است. از طرفی در مقایسه دو متغیر رضایتمندی روانی و

جدول ۵: نتایج تحلیل ممیز گام به گام جهت بررسی رضایت مندی روانی، باورهای جنسیتی و عملکرد تحصیلی در دو

جنس (دختر و پسر)

متغیرهای پیش بین	میانگین دختران	میانگین پسران	انحراف معیار دختران	انحراف معیار پسران	$\lambda$	F	سطح معناداری
رضایت مندی روانی	۲۳۷/۴۰	۲۳۶/۱۵	۲۸/۲۰	۲۳/۶۰	۰/۹۹	۰/۰۸	
باورهای جنسیتی	۱/۴۵	۱/۶۵	۰/۵۰	۰/۵۰	۰/۹۶	۵/۸۲	**۰/۰۰۰۰۱
عملکرد تحصیلی	۱۸/۱۱	۱۷/۰۲	۱/۰۷	۱/۷۰	۰/۸۷	۲۰/۶۷	**۰/۰۰۰۰۱

\*  $p < 0/05$       \*\*  $p < 0/01$

باورهای جنسیتی مشخص می‌شود که بالاتر بودن F و پایین‌تر بودن  $\lambda$  در باورهای جنسیتی نسبت به رضایت مندی روانی دلیل بر وارد شدن این متغیر در گام دوم تحلیل است. سطح معناداری نیز تایید کننده آن است زیرا باورهای جنسیتی در سطح  $0/01 < P$  معنادار شده است. با توجه به این که متغیر رضایت مندی روانی دارای F خیلی پایین و  $\lambda$  خیلی بالا (نزدیک به یک) است. دلیلی برای ارائه سطح معناداری آن وجود ندارد، در واقع این متغیر معنادار نشده است.

## ● بحث و نتیجه گیری

یافته‌های پژوهش به طور کلی نشان دادند که:

- باور جنسیتی زنانه بیشتر در دختران و باور جنسیتی مردانه بیشتر در پسران وجود دارد و دختران دارای باورهای جنسیتی رفتارهای قالبی تری در مقایسه با پسران هستند.
- دختران رشد شخصی بیشتری در مقایسه با پسران دارند.
- عملکرد تحصیلی بهتر از دو متغیر رضایت مندی روانی و باورهای جنسیتی قادر به متمایز کردن دو جنس دختر و پسر و از طرفی دو گروه سرآمد و عادی از یکدیگر است.

○ بر اساس یافته‌ها بیشتر دختران دارای باور جنسیتی زنانه و بیشتر پسران دارای باور جنسیتی مردانه هستند. از طرفی دختران دارای باور جنسیتی رفتارهای قالبی تری - نسبت به پسران و پسران دارای باور جنسیتی غیر رفتارهای قالبی تری نسبت به دختران هستند. در این ارتباط ونگ و گریدون (۱۹۸۹) لوینینگستون و برلی (۱۹۹۶) و برسیک

(۱۹۹۸) با استفاده از پرسشنامه نقش جنسیتی بـم (۱۹۷۴) به این نتیجه رسیدند که مردان نمرات بالاتری در مقیاس مردانه نسبت به زنان و زنان نمرات بالاتری در مقیاس زنانه نسبت به مردان به دست می‌آورند. به نظرمی رسد یافته‌های این سه پژوهش در راستای پژوهش حاضر باشد. از طرفی در مقایسه با یافته‌های سه تحقیق حجازی (۱۳۸۰)، ظهوروند (۱۳۸۱) و پژوهش حاضر می‌توان به این نتیجه رسید که در صد باور جنسیتی زنانه در دختران رو به افزایش و در صد باور جنسیتی مردانه در پسران روند رو به کاهش نشان می‌دهد. به دلیل یکسان بودن ابزار مورد استفاده در این سه پژوهش به نظرمی رسد تفاوت به دست آمده، بیشتر به علت آن است که در سال‌های اخیر دختران تمایل کمتری نسبت به داشتن ویژگی‌های مردانه نشان می‌دهند، به عبارت دیگر دختران از دختر بودن خود راضی هستند و نقش جنسیتی خود را پذیرفته‌اند. این یافته همسو با نتایج پژوهش یانگر و همکاران (۲۰۰۴) و هیمن و لگار (۲۰۰۴) است و به نوعی بیانگر وجود یک پویایی میان عوامل فرهنگی و بازنمایی‌های ذهنی افراد است، که تعاملات میان این دو عامل، شکل دهنده رفتارهای قالبی جنسیتی خواهد بود. با توجه به این دیدگاه به نظرمی رسد تغییر در عوامل فرهنگی جامعه نیز در جهت ایجاد ذهنیت پذیرا نسبت به قبول و رضایت از نقش جنسیتی زنانه در دختران موثر بوده است.

○ از طرفی در پژوهش حاضر مشخص شد که دختران دارای باورهای جنسیتی رفتارهای قالبی تری نسبت به پسران و پسران دارای باورهای جنسیتی غیر رفتارهای قالبی تری نسبت به دختران هستند. این یافته با یافته لیبن و بیگلار (۲۰۰۲). به نقل از برک، (۱۳۸۷) هم خوانی ندارند. زیرا در پژوهش آنها دیده شد که پسران بیشتر از دخترها سود می‌جویند. در توجیه این تفاوت به پژوهش وود و همکاران (۲۰۰۲) استناد می‌شود، آنها معتقدند که عوامل اجتماعی در پذیرش نقش‌های جنسیتی نقش اساسی دارند. در این زمینه به نظر می‌رسد یافته پژوهش حاضر بیانگر آن است که نقش‌های مردانه مانند پرخاشگری، خشونت و ریاست، کمتر مورد قبول جامعه است و مردان برای سازگاری با انتظارات اجتماعی بیشتر به سمت نقش‌های دو جنسیتی می‌روند. لازم به ذکر است که افراد دو جنسیتی سازش پذیرتر هستند، آنها می‌توانند با توجه به موقعیت، استقلال مردانه یا حساسیت زنانه نشان دهند. وجود هویت دو جنسیتی نشانه آن است که فرد قابلیت اکتساب ترکیبی از صفات مثبت هر جنسیت را

داشته باشد. گرایش دو جنسیتی می‌تواند به فرد در جهت تحقق استعدادهایش کمک نماید. علت این که پسرها در پژوهش حاضر بیشتر دارای گرایش دو جنسیتی هستند را می‌توان به این موضوع ربط داد که شاید پسرها با توجه به تغییرات موجود در جامعه به ارزش این نوع گرایش پی برده‌اند. در سایه این ارزش‌گذاری، آنها برای پذیرش اجتماعی بالاتر و حرکت آزادانه‌تر در جهت بالفعل کردن استعدادهایشان حرکت می‌نمایند.

○ با توجه به معنا دار شدن «جنس» در ارتباط با رشد شخصی می‌توان به این موضوع اشاره کرد که دختران این پژوهش بیشتر از پسران خود را انسانی در حال پیشرفت و تحول در نظر می‌گیرند و تصور می‌کنند که به طور دائم در حال رشد هستند. امروزه مشاهده می‌شود که دختران در بعد تحصیلی دارای رشد چشمگیری بوده‌اند به طوری که ۶۰٪ ورودی‌های دانشگاه‌ها در سالهای اخیر را دختران تشکیل داده‌اند. گویا دختران به خودباوری رسیده‌اند و در کنار این خود باوری، توانمندی‌های خود را پرورش داده‌اند و به موفقیت‌های درخور توجهی نیز رسیده‌اند. بنابر این در سایه این موفقیت‌ها که در زمینه اقتصادی، تحصیلی و اجتماعی به دست آورده‌اند، رشد شخصی خود را نیز بالاتر از پسران توصیف می‌کنند. از طرفی در پژوهش نیکنام (۱۳۸۳) در بعد پذیرش خود، میانگین زنان بالاتر از مردان بوده است. به نظر می‌رسد در کل میان نتایج پژوهش حاضر و نیکنام هم خوانی وجود دارد. زیرا در تحقیق حاضر زنان دارای نمرات بالا در رشد شخصی هستند و در پژوهش نیکنام دارای نمرات بالا در پذیرش خود هستند. شاید بتوان گفت که منشأ ایجاد نمرات بالا در این دو بعد به یک عامل برگردد، یعنی به حضور بیشتر در اجتماع و موفقیت‌های بیشتر زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی. و شاید نتیجه به دست آمده قبلی در زمینه پذیرش نقش جنسیتی زنانه نیز تایید کننده یافته حاضر باشد. همانطور که پیش از این اشاره شد هویت جنسیتی پیش‌بین خوبی برای سازگاری روانی فرد است. و با اشاره به پژوهش یانگرو همکاران (۲۰۰۴) می‌توان به این نتیجه رسید که پذیرش نقش جنسیتی زنانه در دختران باعث ایجاد حس ارزشمندی بالاتر در آنها شده است، که این عامل در بعد رشد شخصی در پژوهش حاضر نشان داده شده است. به نظر می‌رسد فردی که حس ارزشمندی می‌نماید به رشد شخصی خود در طی زمان اعتماد حاصل



نموده است. از طرف دیگر به نظر می‌رسد یافته بدست آمده در زمینه عملکرد تحصیلی بالاتر دخترها نسبت به پسرها، نیز با دلایل فوق قابل توجیه باشد. در این زمینه هالپرن (۲۰۰۴) بیان می‌کند که دخترها در سال‌های دبستان و نوجوانی در نگارش و روخوانی نمرات بالاتری نسبت به پسرها دریافت می‌نمایند. قنبرزاده علمداری (۱۳۸۰)، نصراصفهان‌ی (۱۳۸۳)، سعیدزاده (۱۳۸۶)، حجازی و نقش (۱۳۸۶) نشان داد که دختران در متغیرهای باور خود کارآمدی ریاضی، و عملکرد ریاضی تفاوت معناداری با پسران ندارند و حتی در برخی موارد از آنان بالاتر هستند. همانطور که مشاهده می‌شود یافته‌های ذکر شده با پژوهش حاضر همسو هستند و اگر در این پژوهش نیز به طور جزئی‌تر به بررسی پیشرفت در دروس مختلف پرداخته شده بود، نتایج به طور دقیق‌تری مرتبط بود.

○ از طرفی اثر متقابل جنس گروه در بعد هدفمندی در زندگی معنادار شده است. به طوری که دانش‌آموزان عادی پسر هدفمندتر از دانش‌آموزان عادی دختر و دانش‌آموزان سرآمد دختر هدفمندتر از دانش‌آموزان سرآمد پسر هستند. به نظر می‌رسد که مدارس سمپاد دختران را هدفمندتر از پسران و جو مدارس عادی پسران را هدفمندتر از دختران پرورش می‌دهند. و شاید در مدارس سمپاد، ارزش‌گذاری به نقش‌های جنسیتی زنانه بیشتر مد نظر قرار می‌گیرد. در این شرایط، دختران این پژوهش که در زمینه نقش‌های جنسیتی زنانه غالب هستند، هدفمندتر حرکت خواهند کرد. از طرف دیگر شاید مدارس عادی به رفتارهای قالبی نقش‌ها نمی‌پردازند و پسران پژوهش حاضر که غیررفتارهای قالبی‌تر از دختران هستند، در این مدارس هدفمندتر حرکت می‌کنند.

○ از طرفی در تحقیق حاضر مشخص شد که تفاوت معناداری میان رضایت‌مندی روانی دختران و پسران وجود ندارد، درتایید یافته‌های این تحقیق، پژوهش نیک‌نام (۱۳۸۳) نیز به این نتیجه رسید که تفاوت معناداری میان رضایت‌مندی روانی دختران و پسران مشاهده نمی‌شود.

○ نتایج دیگر پژوهش، حاکی از آن بود که عملکرد تحصیلی بهتر از دو متغیر دیگر (رضایت‌مندی روانی و باورهای جنسیتی) قادر به متمایز کردن دو گروه سرآمد و عادی از یکدیگر است. یافته حاضر با پژوهش هاگ و رنزولی (۱۹۹۳) هم‌خوان است. از طرف دیگر وینر (۱۹۹۶). به نقل از سانتراک، (۱۳۸۷) اظهار می‌دارد که یکی از

خصوصیات دانش‌آموزان سرآمد پیش‌رسی و شور آموختن است. فردی که در اکثر زمینه‌ها، زودتر از همسالان خود تبصر بیابد و از طرف دیگر علاقه و انگیزه درونی به آموختن داشته باشد، به احتمال زیاد در زمینه تحصیلی نیز پیشرفت بهتری را نشان خواهد داد. این یافته با یافته پژوهش حاضر در این زمینه هم‌خوان است. به نظر می‌رسد دانش‌آموزان سرآمد سریعتر یاد می‌گیرند و توانایی فهم عمیق‌تر را دارا هستند. آنها می‌توانند دانسته‌های موجود را به شکل‌های جدید تغییر دهند و دانش جدیدی را ایجاد نمایند که این توانایی‌ها باعث سطح بالاتر پیشرفت تحصیلی خواهد شد. البته لازم به ذکر است که جو مدارس سمپاد نیز با ایجاد برنامه‌ریزی‌های دقیق و منسجم در آماده‌سازی این فضا و ایجاد انگیزه بیرونی بسیار تاثیر گذار هستند.

○ از طرفی متغیرهای جنسیتی و رضایت‌مندی روانی متغیرهای موثری جهت متمایز کردن دو گروه سرآمد و عادی نیستند. به نظر می‌رسد این مورد تأییدی بر یافته‌های بدست آمده در نتایج پیشین پژوهش حاضر است که تفاوت معناداری میان باورهای جنسیتی و رضایت‌مندی روانی دانش‌آموزان سرآمد و عادی یافت نشد. از طرف دیگر این عدم تفاوت موید این است که رضایت‌مندی روانی تحت تاثیر عوامل دیگری غیر از سرآمدی و عادی بودن است و این متغیر بیشتر تحت تاثیر بافت فرهنگی است و کمتر به عامل شناخت مربوط است. *اید و لارسن (۲۰۰۸)* در این زمینه معتقدند که خصوصیات شخصی فرد و نحوه ارتباطات اجتماعی از عوامل تاثیرگذار بر روی رضایت‌مندی روانی هستند. به نظر می‌رسد نحوه ارتباطات اجتماعی در ایجاد حس احترام به خود و تشکیل خصوصیات شخصیتی خاص در فرد موثر هستند. به‌طور کلی یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که «جنسیت» می‌تواند در جهت‌گیری‌های فردی و اجتماعی فرد نقش مهمی داشته باشد.



#### یادداشت‌ها

- |                    |                       |
|--------------------|-----------------------|
| 1- gender roles    | 2- gender stereotypes |
| 3- gender identity | 4- Liben              |
| 5- Biglar          | 6- Berk               |
| 7- Harper          | 8- Schoeman           |
| 9- Huston          | 10- Aloways           |

- |                     |                                    |
|---------------------|------------------------------------|
| 11- autonomy        | 12- environmental mastery          |
| 13- personal growth | 14- positive relations with others |
| 15- purpose in life | 16- self- acceptance               |
| 17- androgynous     | 18- undifferentiated               |
| 19- Winner          | 20- Santrock                       |

## منابع

- برک، لورا. (۱۳۸۷). روانشناسی رشد. ترجمه یحیی سید محمدی. تهران: نشر ارسباران.
- حجازی، الهه. (۱۳۸۰). باورهای جنسیتی دانش آموزان شهر تهران و رابطه آن با رضایت مندی روانی - اجتماعی. طرح پژوهشی. دفتر توسعه و برنامه ریزی امور پرورشی وزرات آموزش و پرورش.
- حجازی، الهه، نقش، زهرا. (۱۳۸۶)، رابطه خودکارآمدی ریاضی، سودمندی ادراک شده و راهبردهای خودتنظیمی با پیشرفت ریاضی دانش آموزان: یک مقایسه جنسیتی. *مجله مطالعات زنان*، ۲، ۸۴-۱۰۲.
- سانتراک، جان دبلیو. (۱۳۸۷). *روان شناسی تربیتی*. ترجمه شاهده سعیدی، مهشید عراقچی و حسین دانش فر. تهران: انتشارات رسا.
- سعیدزاده، حمزه. (۱۳۸۶). *ارتباط منابع خودکارآمدی ریاضی با سطح باورهای خودکارآمدی ریاضی و عملکرد ریاضی دانش آموزان راهنمایی و دبیرستان*. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی. دانشگاه تهران.
- ظهروند، راضیه. (۱۳۸۱). *بررسی رابطه ادراک از نقش جنسیتی و رضایت از جنس با انگیزش پیشرفت در دانش آموزان دختر و پسر سال سوم دبیرستان*. طرح پژوهشی. پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- قنبرزاده علمداری، ناهید. (۱۳۸۰). *بررسی رابطه نگرش ریاضی، باور خودکارآمدی ریاضی و انتظار عملکرد در ریاضی با عملکرد ریاضی در دانش آموزان دختر و پسر سال اول دبیرستان‌های شهر تهران*. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی. دانشگاه تهران.
- نصر اصفهانی، زهرا. (۱۳۸۳). *نقش خودکارآمدی ریاضی، خودپنداره ریاضی، اضطراب ریاضی و سودمندی ادراک شده در پیشرفت ریاضی دانش آموزان سال اول دبیرستان*. پایان نامه کارشناسی ارشد تحقیقات آموزشی. دانشگاه تربیت معلم تهران.
- نیکنام، مژگان. (۱۳۸۳). *بررسی رابطه ترس از موفقیت و رضایت مندی روانی در دانشجویان سال آخر دانشگاه تهران*. پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی. دانشگاه تهران.
- Bem, S.L. (1974). The measurement of psychological androgyny. *Journal of Consulting and Psychology*, 42, 155-162.
- Bem, S.L. (1998). Raising gender aschematic children in a gender-schematic society. In D.L. Anselmi & A.L. Law (Eds.). *Questions of gender: Perspectives and paradoxes* (pp.262-274). 1st ed: McGraw-Hill Press.
- Bleeker, M.M., & Jacobs, J.E. (2004). Achievement in math and science: Do mother's beliefs matter 12 years later? *Journal of Educational Psychology*, 96, 97-109.
- Bursik, K. (1998). Moving beyond gender differences: Gender role comparisons of manifest dream content. *Sex Roles. A Journal of Research*. www.findarticles.com

- Chiu, L.H. (2006). Self-esteem of gifted, normal and mild mentally handicapped children. *Psychology in the Schools*, 27(3), 263-268
- Eid, M., & Larsen, R.J. (2008). *The science of subjective well-being*. References & research book news. www.findarticles.com
- Gelman, S.A., Taylor, M.G., & Nguyen, S.P. (2004). Motherchild conversations about gender. *Monographs of the Society for Research in Child Development*, 69, 1-127.
- Foster, M. D., & Tsarfati, M.F. (2005). The effects of meritocracy beliefs on women's well-being after time gender discrimination. *Personality & Social Psychology Bulletin*, 31(12), 1730-1738.
- Halpern, D.F. (2004). A cognitive process taxonomy for sex differences in cognitive abilities. *Current Directions in Psychological Science*, 13, 5 -139.
- Harper, M., & Schoeman, W.J. (2003). Influences of gender as a basic-level category in person perception on the gender beliefs system. *Sex Roles, A Journal of Research*. www.findarticles.com
- Hoge, R.D., & Renzulli, J.S. (1993). Exploring the link between giftedness and self-concept. *Review of Educational Research*, 63, 449-456.
- Heyman, G.B., & Legare, C.H. (2004) Children beliefs about gender differences in the academic and social domain. *Sex Roles. A Journal of Research*. www.findarticles.com
- Jackson, D.W. (1998). Adolescents conceptualization of adult roles: Relationships with age, gender, work goal and maternal employment. *Sex Roles. A Journal of Research* www.findarticles.com
- Lengua, L. (2000) Gender, gender roles and personality: Gender differences in the prediction of coping and psychological symptoms. *Sex Roles. A Journal of Research* www.findarticles.com
- Li, W., Lee, A.M., & Solmon, M.A. (2006) Gender differences in beliefs about the influence of ability and effort in sport and physical activity. *Sex Roles. A Journal of Research* www.findarticles.com
- Livingston, M., & Burley, K. (1996). The importance of being feminine: Gender, sex role, occupational and marital role commitment, and their relationship to anticipated work family conflict. *Journal of Social Behaviour and Personality*, 11, 179-183.
- Moyles, C., Aboud, R. & Burn, S.M. (2000). The relationship between gender and social identity and support for feminism. *Sex Roles. A Journal of Research* www.findarticles.com
- Ryff, C.D. (1989). Happiness is everything, or is it? Explorations on the meaning of psychological well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 57, 1069-1081.
- Ryff, C.D., & Keyes, C.L.M. (1995). The structure of psychological well-being revisited. *Journal of Personality and Social Psychology*, 69, 719-727.

- September, A.N., McCarrey, M., Baranowsky, A., Parent, C. & Schindler, D. (2001). The relation between well-being impostor feelings and gender role orientation among Canadian university students. *The Journal of Social Psychology, 141*(2), 218-232.
- Tanenbaum, H.R., Snow, C.E., Roach, K.A., & Kurland, B. (2005). Talking and reading science: longitudinal data on sex differences in mother-child conversations in low-income families. *Journal of Applied Developmental Psychology, 26*, 1-19.
- Yunger, J.L., Carver, P.R., & Perry, D.G. (2004). Does gender identity influence children's psychological well-being? *Developmental Psychology, 40*, 572-582
- Wang, T.H., & Greedon, C.F. (1989). Sex role orientation: Attribution for achievement and personal goals of Chinese youth. *Sex Roles, 20*, 473-486.
- Wood, E., Desmarais, S., & Gugula, S. (2002). The impact of parenting experience on gender stereotyped toy play of children. *Sex Roles, 47*, 39-49.

